

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۴۰ - ۲۱۹

بررسی تسلیحات کشتار جمعی با محوریت توجه به ارزش های اخلاقی در اسلام و حقوق بین الملل

^۱ محسن رضا مصدق خواه^۲ مرتضی براتی^۳ حسن سلیمانی

چکیده

در امتداد امواج خروشان رشد تکنولوژی نوین معاصر، شاهد پیدایش تسلیحات کشتار جمعی از قبیل سلاح های هسته ای، بیولوژیک و... با شاخص ویژه قدرت تخریب بسیار زیاد و تفکیک ناپذیری در اهداف است، فقهای ربیبان حکم اولیه به اتفاق به حرمت تولید و استفاده از این تسلیحات فتوا داده اند، از جمله عناوین ثانویه که تغییر دهنده حکم خواهد بود، قاعده الضرورات تبیح المحذورات است که با پیدایش آن، تکلیف از عهده مکلف برداشته می شود و نتیجه ی آن جواز ارتکاب فعل حرام است. از دیگر عناوین ثانویه قاعده ی مقابله به مثل در دفاع مشروع است. طبق دستاوردهای پژوهش، استفاده از تسلیحات کشتار جمعی ذیل عناوین ثانویه نیز مجاز نیست. لکن در منابع حقوق بین الملل مانند معاهده (NPT)، منشور ملل متحد و رای مشورتی دیوان بین الملل دادگستری در سال ۱۹۹۶ دلیلی صریح در منع به کارگیری سلاح کشتار جمعی وجود نداشته و استفاده از این نوع سلاح برای دفاع مشروع از کشور مجاز شمرده شده است. بنابراین به استناد ادله اربعه وعمومات مفاد معاهدات حقوق بین المللی و به منظور دفاع مشروع و خنثی سازی سلاحهای نوین جنگی، با تحقیق و توسعه و کسب فن آوری مدرن در راستای بستر سازی مناسب جهت پیشگیری از درمان، حفظ و حراست از حکومت اسلامی، تأمین امنیت ملی، کرامت انسانی، به مصداق «واعدولهم ماستطعتم بالقوه» اقدام نموده تا میهن اسلامی در شرایط خاص به ویژه به شکل دفاع مشروع و واجب به سلاح های نوین جنگی امروزی و پادزهرهای مربوطه، مسلط و مجهز گردیده باشد. همچنین آنچه از اخلاق اسلامی می توان استنباط نمود این است که بر اساس تعالیم اسلام از کتاب آسمانی گرفته تا روایات مستنداتی در زمینه سلاح های کشتار جمعی یافت می شود که همگی بر منع کاربرد سلاح های کشتار جمعی تأکید دارند و کاربرست چنین سلاح هایی در هر صورت غیر انسانی و غیر اخلاقی است.

واژگان کلیدی

سلاح های کشتار جمعی، امنیت ملی، حقوق بین الملل، دفاع مشروع، ارزش های اخلاقی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی فقه و مبانی حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: mr.mosadeghkhah@gmail.com

۲. استادیار و مدیر گروه الهیات و معارف اسلامی، فقه و مبانی حقوق، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: mortezabarati@chmail.ir

(نویسنده مسئول)

۳. استادیار گروه حقوق بین الملل، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران.

Email: h.soleimani@ymail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۲/۶/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۳/۲۳

طرح مسأله

به جنگ‌افزاری که می‌تواند شمار بسیار زیادی انسان را بکشد و خسارت فراوانی به سازه‌های ساخت بشر یا محیط زیست وارد آورد، مانند جنگ‌افزارهای شیمیایی و میکروبی و اتمی، جنگ‌افزار نامتعارف گفته می‌شود. در ادبیات حقوق، تسلیحات کشتار جمعی، مترادف با سلاح‌های نامتعارف تلقی می‌شود به نحوی که در کاربردشان امکان تفکیک و تبعیض میان نظامیان و غیر نظامیان وجود ندارد (روسو، ۱۳۶۹، ۱۴۱)؛ تسلیحات کشتار جمعی شامل سلاح‌های اتمی، بیولوژیک و شیمیایی است و در مقابل این سلاح‌ها، تسلیحاتی قرار دارند که به سلاح‌های متعارف موسوم هستند، معیارهایی که برای تشخیص این گونه سلاح‌ها از سایر تسلیحات مطرح است، عبارتند از: (۱) قدرت تخریب بسیار (۲) تفکیک ناپذیری در اهداف براساس این معیار که مورد قبول کمیته بین‌المللی صلیب سرخ جهانی نیز بوده است، تمام سلاح‌هایی که بنا به ماهیت و نحوه استفاده از آن، موجب اثار مخرب تفکیک ناپذیر می‌شوند، در زمره سلاح‌های کشتار جمعی قرار می‌گیرند.

همچنین، اساسی‌ترین قواعد حقوق بشردوستانه‌یی که رعایت آن‌ها در مخاصمات مسلحانه از نظر اسلام حتمی است، ممنوعیت به غل و زنجیر کشیدن افراد، چه در جنگ و چه در صلح، تحریم کشتن پیران و از کارافتادگان و نیز فردی که شروع به جنگ ننموده و مسلمان شده است، ممانعت از کشتن از روی گمان یا تهمت، نامشروع بودن مجازات پیش از ارتکاب جرم، انحصار اهداف تعرضی فقط به جنگجویان و هدفهای استراتژیک، جایز نبودن تاکتیک‌های تخریبی و انهدامی جز در موارد ضروری، نارو بودن بریدن درختها و انداختن آتش یا مسلط کردن آب بر دشمن، جایز نبودن زهر آلود کردن یا ریختن سم و مواد شیمیایی به آب‌سخورها، نارو بودن کشتن دیوانگان و زنان و اطفال کفار، اگرچه به دشمن کمک کرده باشند، نارو بودن مثله کردن دشمن و گوش و حلق و بینی و اعضای آنان را بریدن، نارو بودن پی کردن حیوانات اهلی و دامهای دشمن و نارو بودن انهدام اموال دشمن، مگر در صورت ضرورت است. موارد یادشده اصل تفکیک و رعایت اصل محدودیت در شیوه جنگ در میدان نبرد می‌باشد. با توجه به اصل تفکیک، کشتار غیررزمندگان شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان و پیمانکاران و نیز اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه نشینان ممنوع است. همچنین، باید اصل محدودیت در شیوه جنگ رعایت شود؛ چه این که مسلمانان اجازه ندارند با هر وسیله‌یی ممکن، دشمن را از پای درآورند، هر چند که اقدامات دشمن خلاف کرامت انسانی باشد (حیدری زاد و همکاران، ۱۴۰۰).

لذا در مقاله حاضر به بررسی سلاح‌ها کشتار جمعی از منظر مفهومی، فقهی و قواعد حاکم بر آن از منظر اخلاق در اسلام و حقوق بین‌الملل پرداخته می‌شود.

سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه

(۱) دفاع در اسلام

وقتی از دفاع صحبت می‌شود که تجاوزی در کار بوده است میزان دفاع و وسعت میدان و کیفیت و کمیت آن وابسته به چگونگی تجاوز و تهاجم خارجی و نحوه آن است دفاع گاه از قلمرو و سرزمین اسلامی گاه برای بیرون انداختن اشغالگران نظامی گاه برای حفظ جان و مال مسلمانان و زمانی برای استیلای بیگانه و از بین بردن هجوم سیاسی و اقتصادی خارجی‌ان است اینگونه جهاد بطور کلی بر همه مسلمانان واجب و درجه و جوب آن عینی خواهد بود (موسوی خمینی، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله ج ۱) (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ق، منهج الصالحین، ح ۱) دفاع مشروع که از قدیم در حقوق یونان، رم و فقه اسلامی پذیرفته شده، همچنان در حقوق جدید کشورها و حقوق بین‌الملل به اعتبار خود باقی است و آن را یکی از جهات مشروعیت ارتکاب جرم و یکی از جهات استفاده از زور و توسل به نیروی نظامی دانسته‌اند. مشروعیت دفاع در طول تاریخ به طرق مختلف توجیه شده است (مواد ۱۵۶ الی ۱۵۹ قانون مجازات اسلامی، اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۲) حقوق جزای عمومی جلد یک) امام خمینی می‌فرماید: «دفاع از اسلام و کشور اسلامی امری است که در مواقع خطر امری شرعی، الهی و ملی است و بر تمام قشرها و گروهها واجب است (موسوی الخمینی ۱۳۷۸؛ ۱۵۹) دولت اسلامی نیز نه تنها موظف به دفاع از تمامیت سرزمین خویش است بلکه اصلی در سیاست خارجی اسلام وجود دارد با عنوان «اصل دفاع از سرزمین‌ها و منافع مسلمانان» دولت اسلامی چه از نظر اعتقادی و چه از نظر حفظ منافع و موجودیت خود، لازم است از منافع و سرزمین مسلمانان دفاع کند (منصوری، ۱۳۶۵؛ ۱۵۵)

قاعده مقابله به مثل

مقابله از نظر لغوی عبارتست از: روی فراروی کردن - رویاروی شدن - مواجه گردیدن (دهخدا، ۱۳۷۷؛ ۸۷۲) مثل: مانند - نظیر - همتا (عمید، ۱۳۸۹؛ ۱۰۸۹) و در اصطلاح: یکی از اصول سیاست قضایی و سیاست خارجی اسلام مقابله به مثل است. در روابط بین‌الملل همانند حقوق فردی، مظلوم می‌تواند در مقابل ظالم مقابله به مثل کند. مقابله به مثل، نوعی مجازات عادلانه، منطقی و دفاع مشروع محسوب می‌شود عمل مقابله به مثل رفتاری در حد عرف و عادت در روابط اجتماعی و حقوق بین‌المللی است. اصولاً دفاع مشروع که حقی شناخته شده در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود بر مبنای قاعده مقابله به مثل است بنابراین سلب حق مقابله به مثل در بسیاری موارد به معنای نفی حق دفاع مشروع تلقی خواهد شد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷؛ ۴۶۱)

مبانی قرآنی قاعده

۱- ایه ۱۹۴ سوره بقره: «الشهر الحرام بالشهر الحرام والحرمات قصاص، فمن اعتدى عليكم فاعتد عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين؛ ماه حرام مقابل است با ماه حرام و همه حرمت‌ها محل قصاص است پس هر کس بر شما تجاوز و ستم روا دارد، شما نیز در مقابل به مانند ستمی که بر شما روا داشته، ستم او را پاسخ دهید و پرهیز کنید از عذاب خدا و بدانید خداوند با پارسایان است.»

در قسمت اول ایه (الشهر الحرام بالشهر الحرام) حرف جر «با» به معنای مقابله و عوض است و بر قاعده اعتدای دلالت دارد چرا که قاعده اعتدای چیزی جز مقابله به مثل نیست و این معنا به خوبی از «حرف جر با استنباط می شود و در تفسیر المیزان (الشهر الحرام بالشهر الحرام) بیان خاصی است که در پی بیان عام آمده است و جمیع محرمات را شامل می شود و معنای ایه چنین است که خداوند مقابله و قصاص را در ماه حرام تشریح کرده است چرا که قصاص در جمیع حرمت‌ها تشریح فرموده است (طباطبایی، ۱۳۷۴؛ ذیل ایه ۶۳) و در ادامه خداوند می فرماید (الحرمات قصاص / هتک حرمت‌ها قصاص دارد) (ابن فراز از ایه نیز به تنهایی بر قاعده اعتدای دلالت دارد و عمل مقابله به مثل و کیفر گناه است (بستانی، ۱۳۷۵؛ ۶۹۶) و نیز به معنای در پی کسی رفتن و استیفای حق و مجازات است (ابن منظور، ۱۹۹۷؛ ۷۵) صاحب جواهر در توضیح معنای قصاص می گویند: «مراد از قصاص پیگیری و دنبال نمودن اثر جنایت از قتل و قطع عضو و ضرب و جرح به گونه ای که قصاص کننده عین عمل جانی را نسبت به وی انجام دهد» (نجفی، ۱۴۱۸؛ ۷) و در ادامه ایه «فمن اعتدى عليكم فاعتدوا عليه بمثل ما اعتدى عليكم واتقوا الله واعلموا ان الله مع المتقين» این عبارت نیز گویای قاعده مقابله به مثل است. کلمه «فاعتدوا» به مقابله به مثل امر می شود و امر ظهور در وجوب دارد بنابراین مقابله به مثل جایز است مفسران نیز در تعابیر مختلف از جواز سخن گفته اند به عنوان نمونه الواسی درباره آن می گوید «والامر الا بامرہ اذا العفو جایز...» (الواسی، ۱۴۰۵؛ ۷۷)

مرحوم امام خمینی دو مطلب را پیرامون ایه اعتدای بیان کرده اند اول اینکه ایه اعتدای ظهور بدوی در تقاص دارد ولی می توان تقریبی از ایه ارائه داد که حکم وضعی ضمان ازان برداشت شود، مطلب دوم اینکه برفرض که بپذیریم ایه شریفه به طور کلی به جنگ اختصاص دارد یا جنگ یکی از مصادیق ایه است، نمی توان پذیرفت که مماثلت در متعدی به یا مقدار اعتدای را برساند، چرا که پذیرش این مطلب مستلزم این است که ایه شریفه به عنوان مثال حکم کند که اگر دشمن یک تیر انداخت، شما هم یک تیر بیندازید یا اگر ضربه ای به دست شما زد، شما هم ضربه ای به دست او بزنید و روشن است که چنین مماثلتی در جنگ معنا ندارد بنابراین ایه شریفه، مماثلت در اصل اعتدای را بیان کرده است یعنی اگر اعتدای کردند جایز است که شما هم اعتدای کنید،

(موسوی الخمینی، ۱۳۷۰: ۴۸۲)

۲- ایه ۴۰ سوره شوری «و جزاوا سیئه سیئه مثلها فمن عفا واصلح فاجره علی الله انه لایحب الظالمین، و جزای هر بدی، بدی ای مثل آن است، پس هر که عفو و اصلاح کند، پاداش او بر خداست، به راستی او ظالمان را دوست ندارد.» علامه طباطبایی در ذیل این ایه می نویسد «این ایه حکم مظلوم را بیان می کند، چنین کسی می تواند در مقابل ستمگر رفتاری چون رفتار او داشته باشد که چنین تلافی و انتقامی، ظلم و بیغی نیست» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۵)

نکته مهم: در عین اینکه قرآن اجازه مقابله به مثل را داده است، با تفسیر موکد «ولایجرمنکم شان قوم ان صدوکم عن المسجد الحرام ان تعتدوا؛ اعمال زشت کسانی که شما را از مسجد الحرام بیرون کردند، شما را بر آن ندارد که به عملی ناروا و بیش از حد متناسب دست بزنید» (مائده ۲) و «ان عاقبتهم فعاقبوا بمثل ما عوقبتهم به» (نحل ۱۲۶) و نیز در آیه دیگر «تلك حدود الله فالاتعدوها؛ آن احکام مرزهای خداست پس از آنها نگذارید و پا فراتر نگذارید» (بقره ۲۲۹) اعمال خارج از حدود عدالت و مقررات الهی را ممنوع می شمارد.

در پاسخ به تهاجم دشمن نباید از خطوط قرمز عبور کرد. تجاوز را بهانه ای برای تخریب محیط زیست یا کشتار بی رحمانه طرف مناصمه باشد.

مبنای روایی قاعده

دومین دلیل قاعده مقابله به مثل روایات منقول از اهل بیت عصمت و طهارت می باشد از جمله عمل تاریخی و بیان امام علی علیه السلام در مورد همسانی قصاص و مقابله به مثل پس از ضربت خوردن از ابن ملجم خطاب به فرزندان خود (شریف الرضی، ۱۳۸۰: ۳۷۶) «ردوالحجر من حیث جائ فان لشر لابد فعه الا الشر: سنگ را از هر کجا آمد، به همان جا برگردانید، چرا که بدی پاسخی جز بدی ندارد» (شریف الرضی، ۱۳۸۰: ۴۸۲)

مبنای عقلی قاعده

قاعده اعتدا در تامین امنیت جامعه اسلامی نقش بسزایی دارد و هر عقل سلیمی موید این مطلب است که اگر قدرت مقابله ای در برابر تعدی وجود نداشته باشد، جسارت افراد متجاوز بیشتر و همین امر سبب ناامنی و هرج و مرج در اجتماع می شود. و هر اقدامی برای دفاع باید معقول و متناسب با عملیات تهاجمی دشمن باشد. و با توجه به قاعده «الاسهل فالاسهل» و قاعده «الضرورات تنقذ بقدرها» که اکثر فقها آنها را از جمله شرایط اقدام به دفاع دانسته اند می توان مفهوم تناسب را انتزاع کرد. امام خمینی می فرماید: «...اگر دفع او (دشمن) جز با کشتن ممکن نیست به هر وسیله کشنده قتل او جایز است و البته مراعات ترتیب (دفاع از مرحله اسان و کم خطر تا مرحله سخت و سخت تر) در صورتی واجب است که ممکن باشد و فرصت داشته باشد و ترسی از غلبه مهاجم نباشد بلکه اگر با رعایت ترتیب واجب نیست و وسیله قراردادن چیزی که

قطعا اورا دفع می کند، جایز است» (موسوی الخمینی، ۱۳۷۳: ۳۳۱)

حضرت ایت الله جوادی عاملی در تفسیر ایه ۱۹۰ سوره بقره (که امر به دو موضوع شده اول مقابله با اهل قتال و دوم تجاوز نکردن از حدود الهی در جنگ و تعرض نکردن به بیماران، زنان و کودکان) «و قاتلوا فی سبیل الله یقاتلونکم ولا تعدوا ان الله لا یحب المعتدین» می نویسد: «اطلاق حکم مقابله به مثل در مواردی با دلیل خاص تقیید شده است مثلا در عرض (ابرو)، ششم (بدگویی) و قذف (نسبت ناروا) قصاص نیست» (جوادی املی، ۱۳۷۸: ۶۴۸)

قاعده ضرورت

مبانی روایی قاعده

امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) فرمودند که از امت ۹ چیز برداشته شده: خطا و فراموشی و آنچه از روی اکراه باشد و آنچه ضرورت در کتب لغت به معانی مختلف آمده است از جمله به معنای ناچاری، در این زمینه آورده اند «الضروره کالضره: شده الحال» (زییدی، ۱۴۱۴: ۱۲۴)

دهخدا معنای زیر را برای ضرورت می نویسد: نیاز و حاجت - ناگزیری - بیچارگی و درماندگی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۴) اضطرار: بیچاره و حاجتمد کردن کسی، ناچار شدن، درمانده شدن (عمید، ۱۳۶۷: ۱۹۷) در مورد اضطرار راغب می نویسد: مصدر باب افتعال و به معنای وادار کردن انسان بر چیزی که در آن ضرر است و فرقی نمی کند که وادار کننده از داخل انسان باشد، مثل گرسنگی و مریضی یا خارج انسان؛ مثل اجبار از ناحیه غیر (راغب اصفهانی، ۱۴۱۴: ۲۹۴)

معنای اصطلاحی اضطرار و ضرورت: ظاهر سخن برخی از فقها آن است که شارع مقدس و فقها در مورد واژه اضطرار، اصطلاح خاصی ندارند و این ماده با مشتقات آن به همان معنای لغوی و عرفی در نصوص شرعی به کار رفته است این سخن مطابق قاعده است زیرا هر واژه ای را که شارع موضوع حکم قرار دهد و تفسیر خاصی از آن ارائه ندهد باید بر معنای عرفی آن حمل شود؛ و هر دو واژه (اضطرار و ضرورت) یکی هستند واژه شناسان عرب ضرورت را اسم برای مصدر «اضطرار» می دانند (ابن منظور، ۱۹۹۷: ۴۸۳) در عرف نیز ضرورت و اضطرار همسان با یکدیگر «وفور در معنای احتیاج و نیاز شدید» کاربرد دارند، اضطرار از عوامل رافع مسئولیت کیفری است و با احراز آن، اجرای کیفر جرم ارتكابی به موجب نص صریح قانون منتفی می شود مع هذا باتوجه به وحدت ملاک دوتاسیس حقوقی حالت ضرورت و اضطرار در مورد جبران خسارت در اجرای تبصره ماده ۵۵ قانون مجازات اسلامی سابق و ماده ۱۵۱ و ۱۵۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، مسئولیت مدنی مرتکب جرم در شرایط اضطراری نیز باقی است و دیده و ضمان مالی بر عهده مضطر خواهد بود (گلدوزیان، ۱۳۸۴: ۲۶۱ و ۲۹۲)

مبانی قرآنی قاعده

۱- ایه ۱۷۳ سوره بقره «انما حرم علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما هله به لغیر الله فمن اضطر غیر باغ ولا عاد فلا اثم علیه ان الله غفور رحیم؛ به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققا خدا امرزنده و مهربان است.» باغ در لغت به معنای ظلم و سرکشی و کنایه از آن است که سبب اضطراب، کاری ظلمانی و از روی سرکشی نباشد که در این صورت اضطراب موجب برداشته شدن حرمت نخواهد بود

عاد نیز کنایه از این است که شخص مضطر به اندازه ای که نیاز او برآورده می‌شود می‌تواند حرام را انجام دهد علامه در تفسیر المیزان می‌نویسد: «غیر باغ و لاعاد از حیث نحوی حال است، یعنی در حالی که ظالم و متجاوز نباشد، یعنی کسی که ناچار به خوردن برخی محرّمات شود و این ناچاری در حالی باشد که ظالم و متجاوز از حد نباشد، مانعی ندارد از آنها بخورد ولی اگر در حال ستم و تعدی ناچار از خوردن شود به این معنا که ستم و تعدی سبب اضطراب اوشده باشد خوردن محرّمات برای متعدی جایز نخواهد بوده (طباطبایی، ۱۳۷۴، ذیل ایه ۱۷۳)

۲- ایه ۱۱۹ سوره انعام «مالکم الا تاکلوا مما ذکر اسم الله علیه و قد فصل لکم ما حرم علیکم الا ما اضطررتم الیه؛ و شما چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن یاد شده نمی‌خورید و حال آنکه آنچه را بر شما حرام کرده است، مگر آنچه به (خوردن) آن ناچار شوید، برایتان به تفصیل بیان کرده است.»

در تفسیر مجمع البیان آمده است: «معنای الا ما اضطررتم الیه این است که خوردن آنچه در صورت امتناع از خوردن برهلاک نفس خود بیمناک می‌شوید، برایتان مجاز است، اگر چه از چیزهایی باشد که خداوند آن را حرام کرده است» (طبرسی، ۱۳۶۰؛ ۲۴۷) یعنی جواز ارتکاب حرام از روی اضطراب، در قلمرو تمامی محرّمات خواهد بود و فراگیر است را که نمی‌دانند و آنچه را که طاقت ندارند و آنچه مورد اضطراب است و حسادت و تفراف و وسواس فکری در امور آفرینش تا هنگامی که بر زبان جاری نگردد (ابن شعبه، ۱۳۸۲؛ ۸۵) آنچه در این حدیث مورد نظر ما می‌باشد جمله «ما اضطررتم الیه» است چرا که به این جمله برای اثبات قاعده اضطراب استناد کرده اند و دلالت آن بر قاعده فقهی «کل حرام مضطر الیه فهو حلال» بدیهی است مفاد جمله برداشته شدن تکلیف در موارد اضطراب است و با وجود اینکه روزه گرفتن در ماه رمضان واجب محسوب می‌شود، چنانکه به منظور کارهای درمانی، افطار آن مورد اضطراب باشد، حکم و جوب برداشته خواهد شد.

مبنای عقلی قاعده

یکی از ادله و منابع اجتهاد، عقل سلیم است. بی‌گمان عقل حکم می‌کند که ارتکاب حرام به منظور حفظ مصلحت بزرگتر، جایز و بلکه لازم است و به کمک قاعده ملازمه میان حکم عقل مستقل و شرع حکم شرعی نیز ثابت می‌شود.

شرایط تحقق ضرورت

اولاً: مسلم الوقوع بودن خطر، به این معنا که خطرات احتمالی وطنی که دارای منشأ عقلایی و علمی نیستند یا خطرات جزئی و کم اهمیت به هیچ وجه مجوز ارتکاب عمل ممنوع و حرام نیستند (محقق داماد، ۱۳۸۹؛ ۱۴۵) همچنین خطری که قریب الوقوع نباشد و راه چاره‌ای جز ارتکاب عمل مجرمانه داشته باشد، مجوز عمل ممنوع نیست، چراکه شخص با کشور تهدید شده فرصت کافی خواهد داشت که از راه دیگری غیر از ارتکاب عمل ممنوع، خطر را از خود دفع کند. حقوق اسلامی دفاع را به منظور دفع تجاوز مقرر کرده از این رو استفاده از زور را زمانی جایز می‌داند که دفع تجاوز متوقف بر آن باشد (داورالغطا، ۱۳۷۵؛ ۶۰)

ثانیاً: چنانچه خطر عامدانه توسط مضطر ایجاد نشده باشد، فقها به جهاد علیه کفار (که مسلمانان اضطراب را مجبور به کشتن غیر نظامیان می‌شوند) فتوا داده‌اند؛ این عمل باید در صحنه جنگ و در حال درگیری باشد و نباید قصد کشتن غیر نظامیان را داشته باشند.

۲- تقویت قوا در جهاد

آیه شریفه ۶۰ سوره ی مبارکه انفال، «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.» برای فهم بهتر آیه شصتم سوره انفال لازم است نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد.

اولاً: در این آیه، قرآن کریم به صورت عام و مطلق، مسلمانان را به آمادگی نظامی دستور می‌دهد. به عبارت دیگر خداوند متعال با امری وجوبی به مسلمانان دستور می‌دهد. که خود را برای ترساندن و شکست دادن دشمنان خدا، آماده نمایند و این آمادگی نیز به صورت مطلق مورد اشاره قرار گرفته است. از آن جا که آمادگی یادشده مطلق می‌باشد می‌توان چنین استنباط نمود که هرگونه آمادگی اعم از تأمین نیروی انسانی، تمهید ابزار و تجهیزات جنگی و حتی آمادگی ناشی از پیشرفت و تقویت علمی نیز مشمول خطاب این آیه قرار می‌گیرد.

ثانیاً: عبارت «ما استطعتم» نیز دارای عمومیتی آشکار می‌باشد و به این معناست که

مسلمانان «تا جایی که می توانند موظفند به دستور فوق، عمل نمایند. همچنین می توان به صورت ضمنی چنین برداشت نمود که مسلمانان در راستای آمادگی هر چه بیشتر مکلفند که برای تقویت توانایی های نظامی خود برنامه ریزی نموده و مسیر توسعه کمی و کیفی آن را به سمت هر چه بهتر شدن، هدایت نمایند.

ثالثاً: اطلاق آیه در زمینه ابزار اجرای دستور خداوند، نیازمند توجه خاص و دقیق فقهی می باشد. ظاهر عبارت «من قوه» دارای اطلاق است و شامل هر گونه سلاح در جهت ارباب دشمنان خداوند می شود. اما این اطلاق با منطق اسلام سازگاری ندارد و با آیات منع اعتداء و نظایر آن، محدود می گردند. واژه «قوه» در آیه شریفه به معنای هر چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است که جنگ و دفاع با آن امکان پذیر است. بنابراین، این واژه دارای معنای بسیار وسیعی است که نه تنها وسائل جنگی و سلاح های مدرن هر عصری را در بر می گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد، اعم از نیروهای مادی و معنوی را شامل می شود. از این رو افزون بر اینکه می توان از پیشرفته ترین سلاح های هر زمان مانند انواع سلاح های سبک و سنگین (کاتیوشا، موشک و...) و انواع تجهیزات زرهی و ناوگان های دریایی و هوایی و سایر ادوات جنگی و دفاعی بهره برداری کرد، باید به تقویت روحیه و ایمان سربازان که قوه و نیروی مهم تری است پرداخت. این عمومیت افزون بر اینکه از مفهوم واژه «قوه» استفاده می شود، از سیاق آیه شریفه نیز قابل استنباط است، زیرا که جمله ما استطعتم عام است و کلمه «قوه» که به صورت «تکره» آمده است عمومیت آن را تقویت کرده و هرگونه نیرویی را شامل می شود.

از سوی دیگر در روایات اسلامی نیز برای کلمه «قوه» تفسیرهای گوناگونی شده که از وسعت مفهوم این کلمه حکایت می کند، مثلاً در بعضی از روایات می خوانیم که پیامبر اکرم فرمودند: «منظور از قوه «پرتاب» است (اعم از پرتاب تیر، نیزه و مانند آن). در روایت دیگری که در تفسیر علی بن ابراهیم نقل شده می خوانیم منظور از قوه هر گونه اسلحه است «قوله و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه، قال: السلاح» و باز در روایتی که در تفسیر عیاشی آمده می خوانیم که منظور از آن شمشیر و سپر است. و همچنین در روایت دیگر آمده است: «یکی از مصداق های قوه در آیه، موهای سفید را به وسیله رنگ سیاه کردن است» یعنی اسلام حتی رنگ موها را که به سرباز بزرگسال چهره جوان تری می دهد تا دشمن مرعوب گردد از نظر دور نداشته است و این نشان می دهد که چه اندازه مفهوم «قوه» در آیه فوق وسیع است.

رابعاً: آیه شریفه، هدف از آمادگی شایسته مسلمانان در مسأله نظامی را «ارهاب» و ترساندن دشمنان خداوند معرفی می نماید. به عبارت دیگر در این آیه، یکی از ابزارهای مسلمانان برای ترساندن دشمنان خداوند، ایجاد آمادگی لازم در امور نظامی دانسته شده است. باید بر این

موضوع تأکید کرد که مراد آیه شریفه این نیست که تنها هدف تقویت و آمادگی نظامی مسلمانان، ارهاب می باشد بلکه ارهاب و ترساندن، یکی از اهدافی است که از آمادگی مسلمانان حاصل می گردد.

خامسا: از دیگر نکاتی که در آیه شریفه و دیگر آیات جهادی مورد تأکید قرار گرفته این است که در تجهیز نیرو اگر چه ارباب دشمنان خدا هم مدنظر قرار گرفته است اما باید در راستای تحقق اهداف عالی جهاد، یعنی جهاد در راه خدا و به جهت رفع فتنه و اعتلای دین و کلمه توحید باشد: و قاتلوهم حتی لا تكون فتنه ویکون الدین لله صاحب تفسیر المیزان، بر این نکته تأکید می نماید که بر اساس مفاد آیه شریفه ۶۰ سوره انفال، تجهیز نیرو به جهت ارباب دشمن یک غرض فرعی است و هدف اصلی از آن تحقق قسط و عدل و نابودی فساد می باشد. وی در این باره می نویسد: «هرچند ترساندن دشمن به وسیله تدارک دیدن نیرو، خود از اغراض صحیحی است که فواید بزرگی بر آن مترتب می شود، لیکن غرض اصلی از تهیه دیدن قوا ارهاب نیست، و به همین جهت به دنبال آن فرمود: «و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف الیکم و أنتم لا تظلمون» تا تمامی غرض را برساند. چون غرض حقیقی از تهیه نیرو این است که به قدر توانایی شان بتوانند دشمن را دفع کنند و مجتمع خود را از دشمنی که جان و مال و ناموس شان را تهدید می کند حفظ نمایند. و به عبارت دیگری که با غرض دینی نیز مناسب تر است این است که به قدر توانایی شان نائره فساد را که باعث بطلان کلمه حق و هدم اساس دین فطری می شود و نمی گذارد خدا در زمین پرستش شود و عدالت در میان بندگان خدا جریان یابد خاموش سازند».

صاحب تفسیر نمونه نیز در تبیین اهداف جهاد فی سبیل الله می نویسد:

جهاد اسلامی نه به خاطر فرمانروایی در زمین و کشورگشایی، و نه به منظور به چنگ آوردن غنائم و نه تهیه بازارهای فروش یا تملک منابع حیاتی کشورهای دیگر، یا برتری بخشیدن نژادی بر نژاد دیگر است. هدف یکی از سه چیز است: خاموش کردن آتش فتنه ها و آشوبها که سلب آزادی و امنیت از مردم می کند و همچنین محو آثار شرک و بت پرستی، و نیز مقابله با متجاوزان و ظالمان و دفاع در برابر آنان است». بنابراین درست است که آیه مبارکه صراحت و در عین حال اطلاق دارد که مسلمانان باید از لحاظ نیروی نظامی و تسلیحات، آمادگی لازم را در برابر دشمن داشته باشند. لکن همچنان که صاحب المیزان و نمونه فرمودند هدف نهایی آیه مبارکه صرف آمادگی نیست بلکه اعتلای کلمه الله و زمینه سازی برای هدایت و بندگی در برابر خداوند متعال مهم ترین هدف جهاد فی سبیل الله محسوب می شود. در حالی که این هدف متعالی با تهدید ملتها و در سایه تسلیحاتی که صرف وجود آنها تهدید کننده ملتهاست ممکن نخواهد بود. به طوری که قبلا اشاره شد مهم ترین هدف تسلیحات کشتار جمعی، به راه انداختن

کشتار وسیع و تخریب گسترده محیط زیست، اموال و اماکن می باشد که مردم بی دفاع و زنان و کودکان مهم ترین قربانیان آنها می باشد. با توجه به اطلاق آیه در دستور به مسلمانان در تجهیز خود به منظور ارهاب دشمنان خداوند، و بدون توجه به سایر آیات، روایات و ادله فقهی دیگر می توان چنین برداشت نمود که با استناد به این آیه شریفه می توان قائل به مشروعیت و حتی لزوم «تولید» و «نگهداری» انواع سلاح های کشتار جمعی همچون سلاح اتمی و... شد.

آیه شصتم از سوره مبارکه انفال، خداوند هدف از آمادگی را ارهاب و ترساندن دشمنان خداوند و دشمنان مسلمانان معرفی می کند در حالیکه در تولید تسلیحات کشتار جمعی، هزاران و بلکه میلیون ها انسان بی گناه که دشمن خداوند و مسلمانان به حساب نمی آیند دچار خوف و ارهاب می شوند و در صورت به کارگیری، هزاران نفر که سهمی در مبارزه با اسلام ایفا نکرده اند جان محترم خود را از دست خواهند داد. دستور قرآن کریم مبنی بر لزوم تجهیز و آمادگی همه جانبه در برابر دشمن، هدفش این نیست که مردم جهان و حتی ملت خود را به انواع سلاح های مخرب و ویرانگر درو کنید، و آبادیها و زمین ها را به ویرانی بکشانید. هدف این نیست که سرزمینها و اموال دیگران را تصاحب کنید، و هدف این نیست که اصول بردگی و استعمار را در جهان گسترش دهید، بلکه هدف این است که «با این وسائل دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید» (ترهبون به عدو الله و عدوکم) تا از یورش دشمن در امان باقی بمانید و در نتیجه صلح پایدار استقرار یابد. برخی بر این اعتقادند که «معنی ترهبون هنا هو ردع العدو بتلك القوه التي هیأت کی یمتنع من اتخاذی قرار فی المهاجمة، و هذه وقایة لکی لا تقع الحروب ولا تنجر البشرية إلى العنف و الإرهاب كما لا یخفی، ومما یدل علی ذلك سیرة رسول الله حیث كانت بعيدة کل البعد عن العنف و الإرهاب، و إنما أراد صلی الله علیه و آله و سلم للمسلمین القوه حیث كان المشركون یخططون ضدهم کل یوم و یسنون الحروب الدامیة للقضاء علیهم؛ معنای ترهبون در آیه شریفه، جلوگیری و بازدارندگی دشمن از هرگونه تصمیمی بر تهاجم است به واسطه آن نیرو و توانی که آماده و تجهیز شده است، و این آمادگی سیاستی پیشگیرانه است تا از وقوع جنگ ها و کشانده شدن بشر به ظلم و وحشت جلوگیری شود. و از جمله ادله ای که بر این مطلب دلالت دارد سیره رسول خدا است که از هر گونه ظلم و تهدید دور بود. و قصد حضرت از تجهیز قوا برای مسلمانان مواجهه با دشمنان بود زیرا که مشرکان هر روزه بر ضد مسلمانان نقشه می کشیدند و جنگ های خونین براه می انداختند.

در جمع بندی نکات فوق می توان چنین نتیجه گرفت که در اجرای دستور آیه فوق، اطلاق موجود در آیه شریفه را دست آویزی برای تولید؛ نگهداشت و کاربست سلاح های کشتار جمعی دانست، زیرا که وصول به اهداف و حفظ دین صرفاً از طریق وسایل و ابزارهای مشروع قابل تحقق است. از آن جا که استفاده از تسلیحات کشتار جمعی در حکم مقابله به مثل و مطابق مفاد

آیات درمبارزه با دشمنان در جنگ خواهد بود، بنابراین می‌توان استفاده از این تسلیحات را مشمول حکم شرعی آیه شصتم سوره انفال دانست.

آیه ۱۵ سوره توبه، «فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرَ الْحَرَامَ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخَذُوهُمْ وَحَصْرُوهُمْ واقْعِدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرصِدٍ فَإِن تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ: پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است.» این آیه شریفه به مسلمانان دستور می‌دهد تا مشرکان را هر کجا که یافتند به قتل رسانند و تمامی تدابیر لازم جهت مقابله با ایشان را به کار بندند. دستور آیه به صورت مطلق بوده و شامل عموم مشرکان می‌گردد. به عبارت دیگر در نگاه نخست این آیه، جواز قتل عموم کفار را صادر می‌نماید و امر به کشتن آن‌ها می‌دهد. شاید بتوان در یک نظر چنین گفت که از آن جا که قتل تمامی مشرکان طبق این آیه مجاز شناخته می‌شود در نتیجه استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی علیه مشرکان با منع شرعی روبرو نخواهد شد؛ زیرا که بر اثر استفاده از این تسلیحات، علاوه بر نظامیان درگیر در جنگ، سایر افراد همانند زنان، کودکان، پیشه‌وران و ... نیز نابود خواهند شد. به ویژه اینکه در ادامه آیه خداوند متعال به مسلمانان دستور می‌دهد که از تمامی روش‌ها همانند به اسارت گرفتن، کمین کردن، محاصره نمودن، بهره‌برداری از مشرکان را سرکوب و منکوب نمایند. در نتیجه با استناد به این آیه می‌توان قائل به جواز توسل به سلاح‌های کشتار جمعی شد.

در پاسخ به این نظر باید چنین گفت که اطلاق موجود در آیه شریفه با ۲ دلیل تقييد می‌خورد؛ نخستین دلیل تقييد این اطلاق، آیات منع اعتداء در جنگ (به ویژه آیه ۱۹۰ سوره بقره) می‌باشد. در این آیات، خداوند به صراحت هر گونه اعتداء در جنگ و مقاتله را رد می‌کند. تفاسیر قرآن در ذیل این آیات، ریختن خون افراد بی‌گناه را یکی از مصادیق اعتداء و تجاوز از حدود الهی و مبعوض خداوند برشمرده است. از آن جا که با به کارگیری تسلیحات کشتار جمعی، افراد بی‌گناه بسیاری کشته می‌شوند در نتیجه استفاده از این تسلیحات از این منظر قابل قبول نمی‌باشد.

دوم آنکه این اطلاق خلاف سیره معصومان (علیه السلام) به حساب می‌آید؛ با این بیان که در منابع شیعی و اهل سنت، روایات فراوانی وجود دارد که در آن، هر گونه کشتار غیر نظامیان مورد نهی شدید واقع شده‌اند.

در آیه ۱۲۶ سوره مبارکه نحل نیز رعایت تناسب در مقابله با تجاوز دشمن، مورد عنایت خاص قرار گرفته و می‌فرماید: «وَإِن عَاقِبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عَقِبْتُمْ بِهِ وَ لئن صَبِرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ

للسابرين»؛ از جمله نکاتی که می توان از این آیه مبارکه استفاده کرد این است که:

۱. قرآن کریم ضمن صحنه گذاشتن بر مشروعیت اقدامات مقابله به مثل، صبر و گذشت در برابر تجاوزات دشمن را موجب خیر و برکت صابران می داند.

۲. در نظام حقوقی اسلام توجه به ارزش های اخلاقی مقدم بر اجرای احکام است.

۳. در پاسخ به تعدیات دشمن باید میان تجاوز و دفاع، تناسب برقرار باشد.

صاحب کتاب الفقه، السلم و السلام در تبیین دلالت این آیه مبارکه بر نحوه مجازات دشمن می نویسد: از مجازات شدید اجتناب کنید، و مجازات دشمن باید متناسب با جرم ارتكابی، مجرم و ظرف زمانی و مکانی ارتكاب جرم باشد، پس هر حالتی اقسا و ملازمات خاص خود را می طلبد. با این حال دیدگاه فقها امامیه در توجه به تناسب دفاع و تجاوز و یا تناسب مجازات جانی با جنایت وارده بر مجنی علیه، با دیدگاه برخی فقهای اهل سنت متفاوت به نظر می رسد.

مقابله به مثل حق مسلمانان در مقابل تجاوزات دشمن است و اشاره کردیم که مقابله به مثل با رعایت اصل تناسب نباید موجب تجاوزی بیش از تجاوزات دشمن شود از سوی دیگر به آیه ۱۹۰ سوره بقره نیز اشاره گردید که دران امر به مقاتله با کسانی شده که با مسلمانان در حال جنگ هستند حضرت آیت الله مکارم شیرازی از آیه ۱۹۰ بقره استفاده کرده اند که: «هرگز غیرنظامیان (مخصوصاً زنان و کودکان) نباید مورد تعرض و تهاجم قرار گیرند، زیرا آنها به مقاتله برنخاسته اند، بنابراین مصونیت دارند. افرادی که سلاح به زمین بگذارند و کسانی که توانایی جنگ را از دست داده اند، یا اصولاً قدرت بر جنگ ندارند، همچون مجروحان، پیرمردان، زنان و کودکان نباید مورد تعرض قرار گیرند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۰)

حضرت آیت الله جوادی آملی می فرمایند: استفاده از سلاح های شیمیایی ابتدائاً حرام است و در صورت ضرورت جهت دفاع نیز لازم است از کاربرد آن در مواردی که بی گناه آسیب می بیند و کودک، زن سالمند و سایر افراد غیر جنگجو مصدوم می شوند، حتماً پرهیز شود (جوادی آملی، ۱۳۷۱: ۶۴۹).

و سایر افراد غیر جنگجو مصدوم می شوند، حتماً پرهیز شود (۱۳).

اصول رویکرد اخلاقی اسلام به سلاح های کشتار جمعی

اصول و مبانی نظری اسلام که میتواند نشانگر تاکید بر منع تولید و بکارگیری سلاح های کشتار جمعی اصولی را که از منابع اصیل اسلام در مورد منع و تولید و بکارگیری سلاح های کشتار جمعی میتوان استنباط کرد که خود مبانی جهت تبیین قواعد حقوق بشر دوستانه مورد استفاده قرار می گیرد به شرح ذیل می باشد:

۱. از آموزه های اخلاقی اسلام در جنگ منع از دشنام به دشمن است؛ چنان که از اطلاق آیه «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ . عَدُوا بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام/۱۰۸) استفاده می

شود. حضرت علی(ع) وقتی دانست که برخی از یارانش دشمنان را در میدان جنگ دشنام میدهند فرمود من خوش ندارم که شما دشنام دهنده باشید، خوب بود به جای دشنام می گفتید خدایا خون ما و آنها را حفظ کن بین ما و آنها اصلاح فرما و آنان را از گمراهی به راه راست هدایت کن تا آنان که جاهلند حق را بشناسند و آنان که با حق میستیزند پشیمان شده به حق بازگردند(خمینی، ۱۴۰۹). نهی از استفاده کردن از سلاح های کشتار جمعی یکی دیگر از آموزه های اخلاقی جنگ است. همچنین روایاتی هست که در آن از کشتن زنان، کودکان سالخوردگان و... نهی شده است (حرعاملی، ۱۴۰۹). دانشمندان اسلامی با توجه به این روایات تصریح کرده اند که ریختن سم موجب هلاک زنان و کودکان و غیر نظامیان میشود. چون این کار جایز نیست ریختن سم نیز جایز نخواهد بود (ذاکریان، ۱۳۸۸). با استفاده از این قاعده کلی کشتن غیر نظامیان مانند زنان و کودکان و سالخوردگان و ... جایز نیست و الغای خصوصیت از روایت ریختن سم در سرزمین مشرکان به این نتیجه میرسیم که هر نوع سلاح کشتار جمعی که موجب هلاک غیر نظامیان در جنگ باشد مورد توصیه اسلام نبوده و اسلام از آن نهی کرده است و تفاوتی بین بمب های شیمیایی میکروبی اتمی و مانند آن نیست و استفاده کردن از این، وسایل خلاف اخلاق جنگ در اسلام است.

۲. از آموزه های اسلام در اخلاق، جنگ عدم تعرض و آسیب رساندن به زنان کودکان سالخوردگان ناتوانان ضعیفان و دیوانگان است. دانشمندان اسلامی در کتب خود بر این مطلب تصریح کرده اند و حتی برخی تصریح داشته اند که در صورت شرکت زنان و کودکان در جنگ و یاری رساندن به مردان باز هم نباید آنان را مورد تعرض قرار داد به جز در موارد اضطرار و ضرورت (مهرپور، ۱۳۹۰). از دیگر مسائل اخلاقی در مورد اسیر این است که به مقتضای احسان و نیکی اگر اسیری مجروح یا مریض بود، مداوا گردد؛ به ویژه اگر مسلمان و از اهل بغی (شورش) باشد؛ چنان که از خوارج چهل نفر مجروح بودند که امام علی(ع) دستور داد آنها را به کوفه برده مداوا کنند؛ سپس به آنها فرمود: به هر شهری خواستید بروید(امامی و جویباری، ۱۳۹۷). اصل ضرورت رعایت رفتار انسانی نسبت به هموع در مقام فرمانده جنگ هرگاه قصد اعزام لشکری را داشت سپاهیان مسلمان را در مقابل خود مینشاند و میفرمود با نام خدا و در راه خدا و دین رسول خدا حرکت کنید به یکدیگر خیانت نورزید و کسی را مثله نکنید و پیمان نشکنید پیرمردان و پیرزنان و اطفال و زنان را نکشید تا ناگزیر نشده اید درختان را قطع نکنید و اگر مسلمانی خواه از فرومایه ترین یا شریفترین به یکی از کفار امان میدهد تا کلام خدا را بشنود او در امان است تا کلام خدا را بشنود پس اگر اسلام را پذیرفت برادر دینی شماست و گرنه او را به محل خود بازگردانید و از خداوند یاری بجوید.

۳. اصل تفکیک در اسلام: در میدان نبرد، با توجه به اصل تفکیک، کشتار غیررزمندگان

شامل کشاورزان، تاجران، بازرگانان، پیمانکاران، اطفال، زنان، نابینایان، معلولان، راهبان و صومعه نشینان و همچنین رعایت اصل محدودیت در سه بعد زمانی، یعنی تحریم آغازگری جنگ در ماه‌های حرام (به مدت ۴ ماه) و مکانی (اماکن محترم اعم از مسجدالحرام، اماکن مقدس دیگر حتی کنیسه‌ها و کلیساها) و محدودیت در شیوه که هم می‌گوید مسلمان مجاز نیستند با هر وسیله ممکن، دشمن را از پای درآورند، هر چند که اقدامات دشمن خلاف کرامت انسانی باشد.

۴. امنیت از نیازهای اولیه زندگی اجتماعی: برخورداری از امنیت از نیازهای اولیه و از آرمان‌های دیرین بشری است. کابوس وحشتناک ترس ناشی از تجاوز، ظلم و تهدید و ارباب، همواره عامل ناگواری، رکود و ناامیدی انسان در زندگی جمعی بوده است. رهایی از این کابوس و احساس امنیت در برابر عواملی که آرامش زندگی و حقوق فرد و جامعه را به مخاطره می‌افکنند و زندگی و آزادی و آسایش انسان را مورد تهدید قرار می‌دهد است، هم وظیفه نخستین و غیرقابل انکار همه حکومت‌ها خواه دینی و خواه سکولار است و هم نیازمند تلاش جمعی همه ملت‌ها و یکایک ابناء بشر است؛ زیرا امنیت حالتی نیست که با فعالیت فردی و یا یک‌جانبه تحقق پذیرد؛ بلکه در این راه، همکاری افراد برای تأمین امنیت ملی و مشارکت همگانی در تأمین امنیت جهانی اجتناب‌ناپذیر است. غیر از تجاوز و ستمگری، تولید و تکثیر و مسابقه سلاح‌های میکروبی و هسته‌ای و ترور یا ایجاد رعب و وحشت از عوامل مهم تهدیدکننده امنیت در سطح بین‌المللی است. از این رو، مقابله با همه عوامل سلب امنیت در هر شکل و قالبی که باشد - از جمله سلاح‌های کشتار - مسئولیت همگانی است؛ زیرا اینکه بی‌شک همه عوامل تهدیدکننده امنیت از مصادیق (منکر) یعنی زشتی و پلیدی و ضدارزش است و مقابله با آن، مصداق نهی از منکر و زمینه تحقق (معروف) خواهد بود.

اصل رعایت رفتار انسانی نسبت به هم‌نوع از منظر اسلام

ارزش حیات انسان در اندیشه توحیدی بررسی آیات مختلف قرآنی نشان از اهمیت و ارزش حیات انسانها در پیشگاه خداوند می‌باشد چراکه انسان برپایه فلسفه خلقت مأموریت دارد تا از این حیات در اختیار خود، سرمایه‌ای برای رسیدن به جاودانگی جوار خدا بهره‌گیرد و تا ابد در نعمت الهی متنعم گردد. واگر جز این باشد خسران مبین خواهد بود و لذا بر همه انسانها واجب است حرمت این سرمایه بی‌بدیل را پاس بدارند و از هر نوع اضرار اجتناب نمایند و بدانند از بین بردن یک نفس محترمه همانند هلاک نمودن تمام انسان‌ها است و حیات بخشیدن به یک انسان همانند احیا کردن تمام انسان‌ها است. خداوند سبحان در سوره مبارکه مائده می‌فرماید: **مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَن قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ .. فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ...** (مائده/ ۳۲). به همین جهت بر بنی اسرائیل مقرر داشتیم که هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که

گویی همه انسانها را کشته و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. دینی که چنین بر ارزش حیات انسان و حتی سایر موجودات تاکید دارد، قطعاً ترساندن و ارعاب انسانها و کشتار جمعی انسان‌های بیگناه را جایز نخواهد دانست، بلکه حرام و ناروا خواهد بود. اصل اصالت صلح در اسلام تقدم صلح بر جنگ در اندیشه اسلامی، در جای جای قرآن آمده که اسلام دین صلح و امنیت است. گسترش اسلام و وفاداری به اسلام، تا حد زیادی مرهون اخلاق رثوفانه و پر از گذشت و اغماض و مهربانانه رسول خدا(ص) بود و اسلام هرگز راضی نبوده که فرد بیگناهی کشته شود و یا مورد تعرض قرار گیرد و لذا همیشه همه انسان‌ها را به صلح و امنیت دعوت می‌کند.

اصل حفظ محیط زیست (ضرورت‌های اکولوژیکی)

آنچه از آیات و روایات معصومین برداشت می‌شود، تأکید اسلام بر ممنوعیت هر اقدام و رفتاری است که موجب ضربه به محیط زیست می‌گردد. نهی شدید پیامبر اسلام(ص) بر مجاهدین اسلام در مورد آتش زدن درختان و مسموم کردن آب مورد استفاده دشمن در مستندات روایی و تاریخی کاملاً مشهود است. امام صادق (ع) می‌فرماید: رسول خدا(ص) وقتی در صدد بود گروهی را برای جنگ اعزام کند، آنان را در کنار خود می‌نشاند و به آنان می‌فرمود با نام خدا و برای رضای خدا و برطبق روش رسول خدا حرکت کنید غل و غش نکنید و مثله و غدر را پیشه کار خود نسازید و پیرمرد فرتوت و کودک و زن را نکشید و هیچ درختی را قطع نکنید، مگر اینکه مجبور به قطع آن شوید(کلینی، ۱۳۷۵).

اصول و قواعد بشردوستانه در جنگ بر اساس دیدگاه اخلاق اسلامی

نکته مهمی که باید مورد توجه باشد ذاتی و استقلالی بودن قواعد حقوق بشر دوستانه در اسلام است، نه اینکه از باب افعال در برابر ادعاهای حقوق بشری غرب مطرح شود، چرا که به لحاظ پیشینه تاریخی نظریه‌های حقوق بشری اسلام مقدم بر حقوق بین‌الملل غرب می‌باشد و اصولاً اسلام مجموعه احکام و قواعد مختلف در مورد انسان و جامعه و باید نیاید‌های حیات جمعی را بر اساس مبانی منطقی خود ارائه می‌دهد. در آموزه‌های اسلام استفاده بدون هدف از سلاحی که هم به رزمنده و هم به غیر رزمنده و احتمالاً به اهداف نظامی بدون تشخیص و تمایز اصابت می‌نماید. ممنوع شده است. (محقق داماد، ۱۳۸۳).

در آیه ۱۹۰ سوره مبارکه بقره خداوند سبحان مسلمانان را از تعدی به کسانی که در صحنه کارزار حضور نداشتند، برحذر می‌دارد «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید و از اندازه در نگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد و در آیه ۸ سوره المائده، کشتن غیر نظامیان را از مصادیق ظلم و بی‌عدالتی قلمداد شده است و حتی تجاوز دشمن را دلیلی برای عدم اجرای عدل

دانسته است (حیدری زاد و همکاران، ۱۴۰۰).

سلاح های کشتار جمعی از دیدگاه بین المللی

دو رویکرد کلان در خصوص سلاح های کشتار جمعی وجود دارد. رویکرد اول موسوم به واقع گرایی به تجویز تسلیح به انواع سلاح ها حکم می کند و تأمین امنیت ملی رادر معیار موازنه قوا حتی به شکل مخرب آن می بیند و رویکرد دوم مشهور به آرمان گرا به منع تسلیح و اشاعه سلاح ها کشتار جمعی فرامی خواند و تأمین امنیت ملی را منوط به پیوستن به معاهده های بین المللی منع کاربرد و گسترش سلاح های کشتار جمعی می داند، و نه تجهیز به آن.

در سال ۱۸۶۸ با دعوت وزیر امور خارجه روسیه، کنفرانسی در شهر سنپترزبورگ تشکیل شد. مبنای نظری این کنفرانس با عنایت به پذیرش جنگ به عنوان یکی از ابزار پیگیری منافع ملی، بر این اصل استوار بود که استفاده از زور فقط برای تأمین ضرورت های جنگی مورد قبول است و استفاده ی بیش از حد از تسلیحات در دستیابی به اهداف، مشروعیتی ندارد. شرکت کنندگان در این کنفرانس هدف جنگ را کشتورگشائی برای ایجاد توازن نیروها می دانستند و کشتن بیهوده افراد را بیهوده و غیر ضروری می پنداشتند؛ بنابراین کشورها حق دارند در جنگ تاجائی که به از کار انداختن دشمن مربوط می شود، از سلاح استفاده کنند و خارج از این حیطه توجیهی ندارد. (وزیری، ۱۳۷۸: ۴۴)

دولت های شرکت کننده در اجلاس سنپترزبورگ توافق کردند که از به کاربردن فشنگ های آتشزا و گلوله های سوزاننده ی کمتر از ۴۰۰ گرم خودداری کنند. (ظریف به پیشرفت جادپور، ۱۳۸۹: ۵۷۲)

دو کنفرانس بین المللی صلح در شهر لاهه در هلند مورد مذاکره قرار گرفته اند اولین کنفرانس لاهه در بهار سال ۱۲۷۸ (۱۸۹۹ میلادی) باردیگر تجربه کنفرانس سنپترزبورگ مورد توجه هیسنپترزبورگ قرار گرفت و نشست صلح لاهه به منظور پیگیری اهداف اعلامی تشکیل شد. در کنفرانس صلح لاهه، استفاده از سلاح های که منجر به نسل کشی (کشتار جمعی مثل شیمیایی)؛ جنایت علیه بشریت یا جنایات جنگی ممنوع شد و همچنین دولت ها در کنفرانس اول، توافق کردند که به مدت پنج سال از بالون به منظور بمباران هوائی و پرتاب گلوله استفاده نکنند. یکی از دستاوردهای مهم این نشست بین المللی، تأسیس « دیوان بین المللی دائمی داوری» بود که بر اساس معاهداتی که به تصویب کشورها رسید تشکیل داد و با انگیزه رسیدگی به دعاوی مربوط به توافقات، ایجاد شد. ۱ درگردهمائی دوم معاهده صلح لاهه که در تابستان ۱۲۸۶ هجری (۱۹۰۷ میلادی) صورت گرفت، استفاده از تسلیحات سمی و زهر آگین ممنوع اعلام شد و شرکت کنندگان توافق کردند که از کشتن افراد زخمی و سربازانی که تسلیم شدند، خودداری کنند.

آخرین تلاش صورت گرفته در این دوره، به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو مربوط می‌شود که به دنبال آن، تصویب شد. این پروتکل، به استفاده گسترده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ جهانی اول کاربردن سلاح‌های خفه‌کننده، سمی و روش‌های میکروبی رادر جنگ ممنوع کرد. با این حال هرچند پروتکل ۱۹۲۵ ژنو، استفاده از گازهای سمی را ممنوع کرد ولی تولید و ذخیره‌ی آن را بی‌پاسخ گذاشت و هیچ تعریفی از سلاح بیولوژیک و شیمیایی ارائه نکرد و در عمل هم تعداد بسیاری از دولت‌های عضو پروتکل با اعمال حق شرط برای خود، حق اقدام تلافی‌جویانه در صورت استفاده این سلاح‌ها توسط دشمنانشان را برای خود قائل شدند که آمریکا و رژیم صهیونیستی هم جزو این کشورها بودند. (غریب آبادی، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱)

حفظ جان انسانها از اهم مصالحی است که شارع و عقلا بدان اهتمام و توجه دارند. هر سلاحی که حفظ جان انسانها را به خطر اندازد و موجب کشتار جمعی انسانها شود خطری برای امنیت جانی و مالی شده و به کارگیری آن منع گردیده است مشهور فقها قائل به حرمت به کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی شده‌اند. عده‌ای نیز قائل به کراهت استفاده از سم در جنگ گردیده‌اند. در منابع حقوق بین‌الملل مانند معاهده NPT، منشور ملل متحد و رای مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۹۶ دلیلی صریح در منع به کارگیری سلاح کشتار جمعی وجود نداشته و استفاده از این نوع سلاح برای دفاع مشروع از کشور مجاز شمرده شده است. از طرفی یکی از ابعاد حقوق اولیه هرملتی، حق صیانت و حفاظت از خویش در برابر انواع مخاطرات اعم از مخاطرات نظامی بین‌المللی است در این راستا همه کشورها به تأمین حداقل بایسته‌های دفاعی اقدام و خود را مجهز به انواع سلاح‌ها کرده‌اند، اما روند تسلیح به شکل مسابقه تسلیحاتی درآمد و از طرفی افزایش و پیدایش جنگ‌افزارهای نوین و دانش مخرب بشری منجر به تولید انواع سلاحهای کشتار جمعی شده که اثرات مرگبار آن همواره بسی فراتر از موضع بر جای خواهد گذاشت.

نتیجه گیری

باعنایت به موارد معنونه مشخص گردید که تولید و استفاده از تسلیحات کشتار جمعی بیولوژیکی، شیمیایی - اتمی و میکروبی و ویروسی یکی از امور مستحدثه است که فقها باید حکم آن را با توجه به مبانی اسلامی روشن کنند. در این زمینه جمع کثیری از فقهای شیعی به حرمت استفاده از تسلیحات کشتار جمعی حکم داده اند. اما این حکم اولیه مسئله است. در حقوق اسلام یکی از عناوین ثانویه عنوان مقابله به مثل است. مطابق این عنوان هر گاه فرد یا کشوری مورد تجاوز دیگری واقع شود، اگر برای دفاع مرتکب اعمالی شود که قانون آن را ممنوع اعلام کرده است، این اعمال مشروع تلقی می شوند و مجازات شدنی نیستند همچنین مطابق قاعده «الضرورات تبيح المحذورات هر کس به حکم ضرورت مرتکب حرام شود، مجازات شدنی نیست.» همچنین کنوانسیون ژنو، پروتکل الحاقی و رأی مشورتی دیوان دادگستری بین المللی، این اجازه را به کشورها داده است که در مقام ضرورت جنگی، از سلاح اتمی (تسلیحات کشتار جمعی) استفاده کنند بنابراین استنباط می گردد که کسب دانش، کشف فرمول ساخت و تجزیه آن همچنین تولید انواع پادزهره های مربوطه تحت عنوان ضرورت به کارگیری آن در ایام الله در راستای حفظ و حراست از حکومت اسلام و تأمین امنیت ملی، کرامت انسانی و موکداً برای خنثی سازی حملات نظامی دشمن و به مصداق «واعدولهم ما استطعتم بالقوه» در شرایط خاص به ویژه به شکل دفاع مشروع و واجب عینی است.

با جمع بندی مطالب ارائه شد میتوان اذعان کرد که در تعالیم اخلاق اسلامی رویکرد اسلام نسبت به سلاح ها کشتار جمعی، رویکردی اخلاقی است و اصول متعددی وجود دارد که دال بر منع کاربرد سلاح های کشتار جمعی است. اصولی چون اصل ضرورت رعایت رفتار انسانی نسبت به همنوع و محیط ارزش حیات انسان در اندیشه توحیدی اصل اصالت صلح در اسلام اصل همزیستی مسالمت آمیز و ... همچنین در جنگ می بایست بر مواردی چون ضرورت تفکیک بین نظامیان و غیر نظامیان اصل حفظ محیط زیست (ضرورت های اکولوژیکی)، اصل ضرورت پرهیز از تحمیل درد و رنج زاید بر دشمن و احترام به قربانیان جنگ توجه کرد که بی شک نشانگر نفی استفاده از سلاح های کشتار جمعی در اسلام است. بنابراین آنچه از اخلاق اسلامی می توان استنباط نمود این است که بر اساس تعالیم اسلام از کتاب آسمانی گرفته تا روایات مستنداتی در زمینه سلاح های کشتار جمعی یافت می شود که همگی بر منع کاربرد سلاح های کشتار جمعی تاکید دارند و کاربست چنین سلاح هایی در هر صورت غیر انسانی و غیر اخلاقی است.

فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. آلوسی (۱۴۰۵ق). روح المعانی، جلد ۲، بیروت: دار الأحياء تراث العربی.
۲. ابن شعبه، حسن ابن علی (۱۳۸۲)، تحف العقول، جلد ۱، قم آل علی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). لسان العرب، جلد ۲ و ۷، بیروت: دار صادر.
۴. اردبیلی، محمد علی (۱۳۸۳). حقوق جزای عمومی، جلد ۱، تهران: میزان.
۵. اشراق، مسول کریم (۱۳۶۸). تاریخ و مقررات جنگ در اسلام، تهران: نشر فرهنگ اسلامی.
۶. بستانی، فواد (۱۳۷۵). المنجد الابدی، تهران: نشر اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). تسنیم، جلد ۹، قم: اسرا.
۸. حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۷ق)، لمسائل الاسلامیه مع المسائل الحدیثه، قم: منشورات رشید، استفتای ش ۴۸۰۵/۹۷/۳.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه، جلد ۱۰، تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار الکفر.
۱۱. رواس قلعه جی، محمد و قنیبی، حامد صادق (۱۴۰۸ق). معجم لغه الفقها، بی جا: دارالفائس.
۱۲. روسو، شارل (۱۳۶۹). حقوق مخاصمات مسلحانه، جلد ۱، ترجمه سید علی هنجی، تهران: خدمات حقوق بین المللی.
۱۳. زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق). تاج العروس، جلد ۷ و ۱۲، بیروت: دارالفکر.
۱۴. زراعت، عباس (۱۳۹۰). شرح مبسوط مکاسب، تهران: جنگل.
۱۵. زمخشری، محمود (۱۴۰۷ق)، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل، بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. ساعد، نادر (۱۳۸۴). حقوق بین الملل و نظام عدم گسترش سلاح های هسته ای، تهران: شهر دانش.
۱۷. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۳۸۰). نهج البلاغه، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: صائب.
۱۸. ضیایی بیگدلی، محمد رضا (۱۳۷۳). حقوق جنگ، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیر المیزان، جلد ۲ و ۱۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). مجمع البیان، جلد ۲، ترجمه رضا ستوده، تهران: نشر فراهانی.

۲۱. العطار، داوود (۱۳۷۵)، دفاع مشروع در حقوق جزای اسلام، ترجمه اکبر غفوری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی
۲۲. عمید، حسن (۱۳۶۹)، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیر کبیر.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۶۷)، فقه سیاسی، جلد ۳، تهران: نشر امیر کبیر.
۲۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، جلد ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، جلد ۴، بی‌جا، بی‌نا.
۲۶. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، چ دهم، تهران: میزان.
۲۷. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۸۹)، قواعد فقهی بخش جزایی، تهران: نشر علوم اسلامی.
۲۸. مرعشی نجفی، سید شهاب‌الدین (۱۳۷۰)، القصاص علی ضوء القرآن والسنة، جلد ۲، بی‌جان: بی‌نا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، جلد ۱ و ۲ و ۳، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۰. منصوری، جواد (۱۳۶۵)، نظری بر سیاست خارجی، جلد ۱۱، تهران: سپهر.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، جلد ۴ و ۱۲، تهران: مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۳۲. _____ (۱۳۶۹)، تحریر الوسیله، جلد ۲، تهران: مؤسسه دارالعلم.
۳۳. _____ (۱۳۶۹)، کتاب‌البیع، جلد ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۴. نجفی، محمد حسین (۱۴۱۸ق)، جواهر الکلام، جلد ۲۱ و ۴۲، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳۵. حیدری زاد علیرضا، صالحی سید مهدی، نیکخواه سرنقی رضا. ممنوعیت تولید و بکارگیری سلاح‌های کشتار جمعی در اخلاق اسلامی. اخلاق در علوم و فناوری ۱۴۰۰؛ ۱۶ (ویژه نامه): ۱۰-۱۶

36. Additional Protocol (i) to the Geneva Conventin, 8 june 1977.

37. The Geneva Convention (I), 12 August 1949 .36

38. The Geneva Convention (II). 12 August 1949 .37

39. The Geneva Convention (IV), 12 August 1949.38

40. International court of justice, advisory opinion on the Legality of threat or use of Nuclear weapons, Dissenting opinion of judge Mohammad shahabuddeen, part v: the denuclearization Treaties and The NPT (Malaysian Institute for Nuclear Technology Research (MINT), 8 July, 1996).

41. Khomeini SR. (1409Ah). Edit the tool. Vol. 2. Iran/Qom: Dar Al/Elm

Publication. (In Persian).

42.Horr Ameli MH. (1409Ah). Shiite tools. 15th ed.Iran/Qom: Ahl Albeit Institute. (In Persian).

43.Zakerian M. (2009). Key concepts of international human rights. Iran/Tehran: Mizan Publication. (InPersian).

44.Mehrpour H. (2011). International human rights system. Iran/Tehran: Ettelaat Publication. (In Persian)

45.Imami M, Jouybari R. (2018). Encyclopedia of Islam and International Humanitarian Law. Iran/Tehran: Mizan Publicatin. (In Persian)

46.Koleini M. (1996). Principles of Kafi. Translated by Kamrei MB. Tehran: Osveh Publication. (In Persian).

47. Mohaghegh Damad SM. (2004). International humanitarian law. 1st ed. Iran/Tehran: Islamic Sciences Publication. (In Persian).